

اسم و موقعیت قانونی آن

مقدمه

معرف هویت و نماینده شخصیت هر فردی در جامعه اسم است. که او را بدینوسیله بسایرین معرفی و از دیگران ممتاز و متمایز میسازد این وجه تمایز بصور و اشکال مختلف و گوناگونی در میان افراد و آحاد جوامع بشری بروز و ظهور مینماید. باین معنی که وقتی بنام اسم شخصی و گاهی با اسم خانوادگی و هنگامی با اسم تجارتي و نویسندگی و یا القاب و عناوین مختلف میباشد. در هر صورت از این صور مختلف و متنوع و بهر عنوان و لفظی که باشد. اصطلاحاً اسم بدان اطلاق میشود.

و هر قدر زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر فشرده تر و روابط و علائق او با ملل و اقوام دنیا بیشتر میشود. اسم و تأثیرات آن در موقعیت اجتماعی و اقتصادی و حقوقی وی بیشتر و پراهمیت احساس میگردد. برای اینکه خصوصیات و مشخصات احوالی یک فرد بیش از همه در اسم او نمودار است. و بدون توجه باین قسمت از احوال یک فرد مشخصات دیگر آن قابل استفاده نیست.

سابقه اجتماعی

قبل از اجرای امر ثبت احوال هر فرد ایرانی اعم از شهری و دهاتی و یا ایلاتی دارای اسم شخصی بوده اند. و در واقع اسم شخصی برای آنان یک امر غیر قابل اجتناب و طبیعی بوده و هر کس ناگزیر از داشتن اسم شخصی بوده است. و حتی در بعضی از خانواده های قدیمی و سرشناس اسم دیگری بنام خانوادگی و عشیره و امثال آن نیز معمول و متداول بوده. که غالباً معرف اوصاف و خصائل اجتماعی و یا سیاسی و حرفه آنان بود. که در تنظیم اسناد و احکام و قوانین و مکاتبات مورد استفاده محررین و مستوفیان و غیره بوده. ولیکن هیچکدام از آنها عنوان قانونی و رسمی بغیر از القاب و عناوین دولتی که معمولاً از طرف پادشاه وقت اعطاء میشد نداشته. بنابراین هر کس ممکن بود بنا بتمایلات شخصی خود در مواقع رسمی و یا عادی یعنی در حین صدور احکام استخدامی و قوانین و تنظیم اسناد و نوشتجات خود عناوین و کلماتی بنا بمقتضیات یا علائق شخصی با اسم شخصی اشخاص مخاطب خود اضافه و یا از عناوین اسم او حذف نماید.

بدین ترتیب شاید محتاج بتوضیح نباشد که ادامه این وضع موجب بروز اختلافات و اشتباهات غیر قابل جبرانی در هویت و شخصیت اشخاص شده و باعث تزلزل حقوق آنان میگردد. لذا غصب و تصرف عناوین اجتماعی و حرفه و علمی اشخاص بدینوسیله تسهیل و اعتبارات مادی و معنوی دیگران منجر بتجاوزات گوناگون میشد. و چه بسا احکام

اسم و موفقیت قانونی آن

و قوانین مجازات در اثر تشابه اسمی بدون توجه بحقیقت امر و هویت محکوم در گذشته اجراء گردیده که چون در این بحث مورد گفتگوی ما نیست از تفصیل آن خودداری و باصل موضوع برمیگردیم.

سابقه رسمی و قانونی

در اواسط سال ۱۲۹۵ خورشیدی اولین تصمیم رسمی بصورت تصویب نامه که مشتمل بر ۴۱ ماده بود برای برقراری امر ثبت احوال در ایران بتصویت هیئت وزیران وقت رسید که در آن اسم و اسم خانوادگی را بدون اینکه از کیفیت آن بحث نمایند بصورت رسمی آوردند. و اگرچه تصویبنامه مزبور بعلل و جهات سیاسی اجرا نگردید ولی در واقع و نفس الامر اساس و ریشه برای شناسائی اسم و نام خانوادگی از نظر رسمی بود. و اولین قدم در کشور ما برای اجرای ثبت احوال است که اسم یکی از عناصر تشکیل دهنده آن بشمار میرود.

این وقفه در اجرای اولین تصمیم رسمی جهت ثبت هویت در ایران ادامه داشت که در اول مهرماه ۱۲۹۷ شمسی یعنی بعد از مضمی دو سال تصویبنامه دیگری در تأیید و اجرای تصمیم قبلی بتصویب رسید که احوال ساکنین تهران از طرف وزارت کشور و در شهرستانها بوسیله حکام ولایات ثبت شود. در این مرحله برخلاف گذشته از دیماه ۱۲۹۷ شروع با اجرای تصمیم دولت در تهران گردید و با اجرای این تصویب نامه اسم و اسم خانوادگی بصورت رسمی و واقعیت وارد شد و در دفاتر و اسناد ثبت احوال ثبت و پیشه اصلی و در عین حال رسمی و بالاخره قانونی اسم را از نظر مراجع قانونی و قضائی تشکیل داد. ولیکن باتوجه بسوابق امر مبنا و مابخذ قانونی اسم را بصورت فعلی قطع نظر از دوقره تصویبنامه فوق میتوان در قوانین ذیل مطالعه نمود ۱- قانون سجل احوال مصوب ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ ۲- قانون سجل احوال مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۰۷ ۳- قانون الغاء القاب و عناوین مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ ۴- قانون ۱۱ آذر ۱۳۱۰ ۵- قانون اول بهمن ۱۳۱۲ ۶- قانون ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۳ ۷- کتاب دوم قانون مدنی از ماده ۹۹۲ الی ۱۰۰۱ ۸- قانون دوم اسفند ۱۳۱۵ ۹- قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ و آئین نامه آن. و اگرچه قواعد و قوانین مزبور هیچکدام بالصراحه تعریفی از اسم شخصی و اسم خانوادگی که بعداً بنام خانوادگی شناخته شده نه نموده. مع هذا در سیر تحولات سریع خود هر یک از آنان اسم شخصی و اسم خانوادگی را بعنوان جزئی از اجزاء احوال شخصی شناخته است. ماده ۳ قانون سجل احوال ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ که بعداً با قانون معروف سجل احوال ۱۳۰۷ نسخ شد میگوید اسم از دو جزء مرکب است اسم شخصی و اسم خانوادگی و ماده ۹۹۷ قانون مدنی صراحت دارد که (هر کس باید دارای نام و نام خانوادگی باشد) و امروزه باتوجه و اسعان نظر در اسامی شخصی و خانوادگی اشخاص میتوان تا اندازه بطرز فکر و میزان معلومات یا محیط زندگی و نشرونیامی اشخاص و بالاخره بگوشه از علائق و احساسات و تمایلات آنان پی برد. زیرا اسامی غالباً تحت تأثیر علائق ملی و مذهبی و احیاناً سیاسی و اقتصادی است

و همین طوریکه گفته شد بعضاً بی ارتباط با عمق اطلاعات و آمال و خواسته‌های آنان نیست. چنانکه اسامی جمشید و بیژن و داریوش در اشخاص ذکور و اسامی شهربانو و آذرמידخت و ایران بانو قرائن و آثار فکری خانواده‌های ایرانی و علائق ملی و تاریخی آنهاست و هکذا اسامی محمد و علی اصغر و حسین و امثال آن و نامهای زهرا و فاطمه نشانه بارز و روشنی از داشتن افکار و احساسات مذهبی بشمار میرود.

ولی شکی نیست که همیشه این قاعده در تشخیص امر جاری نبوده چه بسا اشخاصی باشند که بدون توجه باین عوامل اسامی آباء و اجداد و درگذشتگان خود را برای حفظ نام و نشان آنها انتخاب و مورد استفاده قرار میدهند. ولیکن بدون تردید ملیت مذهب - زبان - سیاست یکی پس از دیگری در معنی و مفهوم و یا اصطلاح اسم دخالت داشته و خیلی هم اتفاق افتاده که دریکه خانواده علاقه و تمایل برای اسمی باندازه شدت داشته که در اسامی غالب افراد آن خانواده بصور مختلفه تکرار شده. بدین ترتیب که اسم را با اسم مضاف و مضاف الیه مورد استفاده مکرری قرار داده‌اند. اسامی حسین علی و علی حسین و ابوالحسن و حسنعلی و نظائر آن بخوبی معرف این رویه بوده باین معنی که حسین اسم اصلی و علی اسم اضافی.

تأثیر این عوامل و احساسات بعد از اجرای قانون ثبت احوال در اسامی خانوادگی بیشتر از اسامی شخصی نمایان است زیرا تا آنوقت اکثریت قریب باتفاق از تأثیر اسم و مقام منزلت آن در زندگانی و شئون مختلف آن بیخبر بودند. و چون دارای علائق و روابط کنونی هم نبوده‌اند در انتخاب و اختیار آن دقت و علاقه و آفری نداشته‌اند. ولیکن اجرای قانون ثبت احوال و رسمیت پیدا کردن اسم و تعمیم آن در کلیه طبقات و جایگزین شدن نام خانوادگی بجای اسم شخصی در مکالمات و مکاتبات در حال حاضر توجه خاصی از هر طبقه و موقعیتی بکیفیت و کمیت و تلفظ و معنی و مفهوم آن در نظر شنونده اعم از اسم شخصی و خانوادگی و بازرگانی و امثال آن مبذول میشود. و هر قدر افکار و دانش اشخاص بالا میرود و علائق مادی و معنوی آنان اوج میگیرد این توجه و علاقه بیشتر و سریعتر میگردد.

اختیار اسم - در اختیار یا انتخاب اسم با توجه بقواعد و مقررات ثبت احوال ترتیب خاصی ملاحظه نمی‌شود. ولی از مجموع قواعد آن دو حالت مختلف را می‌توان استنباط نمود اول انتخاب اسم شخصی کاملاً در دست اشخاص است. یعنی قانوناً می‌توان در موارد اظهار و یا اعلام ولادت هر اسمی را که مورد علاقه و انتخاب باشد به ثبت رسانید. در این مورد مراجع ثبت احوال قانوناً هیچ گونه دخالتی نمی‌نمایند. و تا کنون رویه ثبتی برای جاری بونده و حتی اسامی که بزبان‌ها بیگانه یا مشتق از زبان خارجی است به ثبت رسیده و حال آنکه در مورد اسم خانوادگی این آزادی عمل در اختیار آن وجود ندارد. ثانیاً انتخاب و یا اختیار اسامی بخصوص ممنوع است. و در این مورد ماده ۱۰۲ آئین‌نامه ثبت احوال مصوب سال ۱۳۱۹ برای جاری است (در موقعی که بعضی از کلمات باید برطبق سایر قوانین و مقررات از اسامی اشخاص حلف شود صفحه مخصوص ولادت با حذف کلمه مزبور تنظیم و در صفحه سفید برگ شناسنامه نوشته می‌شود مثلاً کلمه میرزا).

اسم و موقعیت قانونی آن

آقا - خان - شیخ - ملا و غیره یا صنیع السلطنه و غیره از اسم صاحب سند حذف گردید (از ماده مزبور چنین برمی آید که وقتی در سند رسمی تنظیم شده قانوناً کلمه قابل حذف است در سندی که در دست تنظیم است که بطریق اولی و اهم ثبت آن ممنوع خواهد بود. بنابراین وقتی اسم شخصی با یکی از اسامی ممنوعه فوق و اسثال و نظائر آن و یا توأم با کلمات مزبور جهت ثبت و رسمیت دادن اعلام گردد نمی توان آن را ثبت کرد و بالفرض تخلف از این ترتیب و عدم رعایت آن اعتبار و رسمیتی برای چنین اسمی مرتب نیست. بغیر از قاعده مورد بحث در اختیار اسم شخصی و رسمیت دادن آن استثناء دیگری هم

وجود دارد. با این توضیح که القاب و عناوین که سابقاً مرسوم و متداول بوده و اسم و اسم شخصی و نام خانوادگی دارنده لقب را در واقع تحت الشعاع خود قرار داده بود. بموجب قانونی که در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ یعنی قریب یکماه قبل از تصویب قانون سجل احوال ۱۳۰۴ بتصویب مجلس رسید دیگر دارای اعتبار رسمی و قانونی نیست. لذا اختیار القاب هم بعنوان اسم شخصی صورت قانونی ندارد. بالاخص که در ماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال صراحتی هم من باب مثال دارد. برای مثال عناوین و القاب اشرف الملوك - فخران دوست و عفت الملوك که سابقاً بجای اسم شخصی مورد استفاده بوده و در حال حاضر با توجه بقانون الغاء القاب و ماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال نمی توان بعنوان اسم شخصی در اسناد سجلی ثبت و بان رسمیت و اعتبار قانونی داد.

اما ایرادی که بماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال وارد است این است که بعد از آنکه برای مثال اسامی ممنوعه را ذکر می کند با کلمه غیره دایره تعداد کلمات مزبور را وسعت می دهد ولی معلوم نیست که مقصود از کلمه غیره کدام یک از اسامی یا کلماتی هستند که بجای اسم شخصی مورد استفاده اشخاص بوده و یا خواهد بود. در حالیکه واگذار کردن این قسمت از مقررات اسم بنظر متصدیان امور خالی از اشکال و ابهام نبوده و حق این بود لا اقل در طبقه بندی کلی اسامی مزبور و یا اگر امکان آن متصور بود به توضیحات بیشتری قائل می شدند. زیرا تنوع کلمات و اسامی مشابه و اختلاف سلیقه در تشخیص آنها ممکن است عقاید و نظریاتی ایجاد نماید که خیلی مختلف باشد و از طرفی موجب اختلاف مابین دارنده اسم و مرجع تشخیص کلمه ممنوعه واقع شود. و چون مرجع قانونی برای حل اختلاف مورد بحث نیز پیش بینی نشده معلوم نیست تکلیف دارنده اسم مورد اختلاف چه خواهد بود؟ و امید است چنانکه موجبات تجدید نظری در قواعد راجعه به ثبت احوال فراهم گردید این مسئله مورد توجه علاقمندان واقع شود. تغییر اسم شخصی - جز در مواردیکه اسامی اشخاص از نوع اسامی مندرجه در ماده ۱۰۲

آئین نامه ثبت احوال تشخیص گردد و اجمالاً تا آنجا که ضرورت داشت بشرحش پرداختم قانوناً مجوزی برای تغییر اسم شخصی نیست. بنا بر این می توان گفت که اسم شخصی برخلاف نام خانوادگی که تحت شرایط بخصوصی قابل تغییر است و انشاء الله بعداً بشرح آن خواهیم رسید قابل تغییر یا باصطلاح دیگر قابل تعویض نیست. و قانون ثبت احوال و قواعد دیگر آن در این خصوص کاملاً ساکت است و چنین موردی پیش بینی نشده. و فلسفه عدم تغییر آن روشن است برای اینکه نظم عمومی و لزوم ترتیبی در آن اقتضا

اسم و موقعیت قانونی آن

دارد که هرکس بهرنامی که موسوم شده و اجتماع او را شناخته است باقی بماند و اعتبار مادی و معنوی دیگران بدین وسیله در معرض تجاوز قرار نگیرد. بعلاوه وقتی اسم را مقدمتاً معرف هویت و وسیله شناسائی شخصیت تعریف نمودیم. هویت و شخصیت نباید بی‌جهت دستخوش تغییرات و تبدلات بی‌جا واقع شود و سایرین را دچار اشتباه و تردید نماید. گو اینکه اگر قانوناً مجوزی برای تغییر آن نیست جهت عدم تغییر آن هم منع قانونی نداریم.

تغییر قهری اسم - معهداً برای تغییر قهری اسم مواردی به نظر می‌رسد که از آن جمله تغییر جنسیت اشخاص است. باین معنی که در اثر تغییرات حاصله در بدن بوسیله جراحی و یا فعل و انفعالات طبیعی مردی زن و یا برعکس زنی مرد شود. چنانکه نظائر آن در جریان تاریخ کوتاه ثبت احوال مکرر دیده شده. و در این صورت لزوم تغییر قهری اسم غیر قابل اجتناب خواهد بود. و مرجع رسیدگی بچنین تقاضائی ناچار از رسیدگی و صدور حکم تغییر اسم شخصی خواهد بود.

باین حال نباید تغییر اسم شخصی را با تصحیح آن مخلوط نمود. برای اینکه تصحیح مخصوص موارد اشتباه یا اختلاف است. و حال آنکه تغییر ملازمه با اشتباه و اختلاف ندارد. و معمولاً اختصاص بمواقع عدم رضایت دارد. و اشتباهات حاصله را بنا بحکم کلی و عمومی می‌توان با اجازه حاصله از ماده ۴۴ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ اصلاح نمود. در صورتیکه اگر شخصی به نحوی از انحاء از اسم شخصی خود ناراضی باشد و تقاضای تغییر آن را نماید قابل استماع نمی‌شود. چنانکه نام شخصی در دفاتر و اسناد سجلی بجای تقی (نقی) ثبت شده برای رفع این اشتباه از طریق قضائی در صورت احراز اشتباه اشکالی متصور نیست و حال آنکه (فاطمه بیگم) بعنوان اینکه اسم شخصی وی باشوونات اداری و اجتماعی مشارالیهها وفق نمی‌دهد بالفرض احراز ادعا و تقاضای تغییر آن بنام (پروانه) و جهت قانونی ندارد. برای اینکه دعوی تقی برگشت به حقیقت و واقعیت امر است و حال آنکه دعوی مدعی ثانی عدول از واقعیت سند رسمی و اتخاذ وضع جدید که بانظم عمومی هم سازگار نیست. که اگر توفیقی حاصل شد باز هم در این موضوع بحث دیگری خواهیم داشت.